



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Summer 2025, No. 68

The Necessity of Adhering to Islamic Ethical Criteria Regarding Conventional Approaches to Moral Philosophy in IT Challenges and Digital Transformation

Maryam al-Sadat Nabavi Meybodi¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology
and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran.

nabavi@meybod.ac.ir

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	The primary problem of this research is that Information Technology in the digital age faces emerging issues and challenges (cybercrime, copyright, privacy violations, cloning, etc.). This study utilizes an analytical-comparative method, and its main innovation lies in the precise application of Islamic ethical concepts to the modern challenges of the digital world. The article reviews these challenges and analyzes various ethical approaches (Utilitarianism, Deontology, and Virtue Ethics) in dealing with them. By explaining that these approaches have appeared relatively insufficient and inefficient in solving the ethical issues of digital transformation; the article critiques their weaknesses and ultimately introduces the foundations of Islamic ethics as a superior solution compared to Western moral philosophy. It is demonstrated that Islamic ethics, with its emphasis on Monotheism, human dignity, and justice, and considering its conceptual richness and adaptability to the needs of modern societies, is more effective in the ethical management of digital transformations.
Received: 2025/01/31	
Accepted: 2025/06/10	
Keywords	Moral Philosophy, Information Technology, Digital, Islamic Ethics, Virtue Ethics, Deontology, Utilitarianism.
Cite this article:	Nabavi Meybodi, Maryam al-Sadat (2025). The Necessity of Adhering to Islamic Ethical Criteria Regarding Conventional Approaches to Moral Philosophy in IT Challenges and Digital Transformation. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (2). 151-174. DOI: ??
DOI:	
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

ضرورة مراعاة المعايير الأخلاقية الإسلامية في ضوء المقاربات التقليدية لفلسفة الأخلاق إزاء تحديات تكنولوجيا المعلومات والتحول الرقمي

مريم السادات نبوي ميدي^١

١. أستاذة مساعدة، قسم المعارف الإسلامية، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة ميبد، ميبد، إيران.

nabavi@meybod.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	تتمثل المشكلة الرئيسة لهذه الدراسة في أن تكنولوجيا المعلومات في العصر الرقمي تواجه قضايا وتحديات حديثة، كجرائم الإنترنت، وحقوق الملكية الفكرية، وانتهاك الخصوصية، والمحاكاة الرقمية، وغيرها. وقد اعتمد البحث المنهج التحليلي -المقارن، وتميزه في التطبيق الدقيق للمفاهيم الأخلاقية الإسلامية على التحديات المعاصرة في العالم الرقمي. تتناول الدراسة تحليل الاتجاهات الأخلاقية المختلفة (النفعية، والواجبية، وأخلاق الفضيلة) في معالجتها لهذه القضايا، وتنتقد قصورها النسبي في مواجهة الإشكالات الأخلاقية للتحوّل الرقمي، مبيّنة في المقابل تماسك الأسس الأخلاقية الإسلامية في تقديم البديل الأنسب. وتخلص الدراسة إلى أن الأخلاق الإسلامية، بما تركز عليه من توحيد، وكرامة إنسانية، وعدالة، وبما تمتاز به من عمق مفهومي وقابلية للتكيف مع حاجات المجتمعات الحديثة، تُعدّ الإطار الأكثر فاعلية لإدارة التحولات الرقمية أخلاقياً.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٧/٠٢	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١١/١٣	
الألفاظ المفتاحية	فلسفة الأخلاق، تكنولوجيا المعلومات، التحوّل الرقمي، الأخلاق الإسلامية، أخلاق الفضيلة، الواجبية، النفعية.
الاقتباس:	نبوي ميدي، مريم السادات (١٤٤٧). ضرورة مراعاة المعايير الأخلاقية الإسلامية في ضوء المقاربات التقليدية لفلسفة الأخلاق إزاء تحديات تكنولوجيا المعلومات والتحوّل الرقمي. مجلة علمية النشرة الأخلاقية. ١٨ (٢).
رمز DOI:	DOI: ?? . ١٥١ - ١٧٤
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



ضرورت رعایت معیارهای اخلاق اسلامی ناظر به رویکردهای متعارف فلسفه اخلاق در چالش‌های فناوری اطلاعات و تحول دیجیتال

مریم السادات نبوی میبیدی^۱

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبید، میبید، ایران.
nabavi@meybod.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۷۴ - ۱۵۱)	مسئله اصلی این پژوهش آن است که فناوری اطلاعات در عصر دیجیتال با مسائل و چالش‌های نوظهور (جرایم اینترنتی، کپی‌رایت، نقض حریم خصوصی، شبیه‌سازی و...) مواجه است. در این تحقیق، از روش تحلیلی - مقایسه‌ای استفاده شده و نوآوری اصلی این مقاله تطبیق دقیق مفاهیم اخلاق اسلامی با چالش‌های نوین دنیای دیجیتال است. این مقاله با رویکرد بررسی این چالش‌ها و تحلیل رویکردهای مختلف اخلاقی (فایده‌گرایی، وظیفه‌گرایی و اخلاق فضیلت) در مواجهه با آنها نگاشته شده است. با تبیین اینکه این رویکردها در حل مسائل اخلاقی تحول دیجیتال به‌طور نسبی ناکافی و ناکارآمد ظاهر شده‌اند، مقاله به نقد و تحلیل ضعف‌های این رویکردها می‌پردازد و در نهایت مبانی اخلاق اسلامی را در برابر اصول فلسفه اخلاق غرب به‌عنوان راه‌حلی برتر معرفی می‌کند. در نهایت اثبات می‌شود که اخلاق اسلامی، با تأکید بر توحیدباوری، کرامت انسانی، عدالت و با توجه به غنای مفهومی و قابلیت انطباق آن با نیازهای جوامع مدرن، در مدیریت اخلاقی تحولات دیجیتال کارآمدتر است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲	فلسفه اخلاق، فناوری اطلاعات، دیجیتال، اخلاق اسلامی، اخلاق فضیلت، وظیفه‌گرایی، فایده‌گرایی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰	نبوی میبیدی، مریم السادات (۱۴۰۴). ضرورت رعایت معیارهای اخلاق اسلامی ناظر به رویکردهای متعارف فلسفه اخلاق در چالش‌های فناوری اطلاعات و تحول دیجیتال. پژوهشنامه اخلاق، ۱۸ (۲). DOI: ?? . ۱۵۱ - ۱۷۴
واژگان کلیدی	DOI: ??
استناد:	ناشر:
کد DOI:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

محیط جهانی دیجیتال و فناوری اطلاعات، در کنار فراهم کردن فرصت‌های بی‌شمار برای شهروندانی که به حاکمیت قانون احترام می‌گذارند، فضای جدیدی را برای مجرمان، تروریست‌ها و اشاعه‌دهندگان اخبار کذب، با نیت مغرضانه فراهم می‌کند. این توقع از پیشرفت فناوری می‌رود که بر اساس این اصل توسعه یابد که مردم از همان استقلال، حقوق و آزادی‌های آنلاین مانند آفلاین و محیط واقعی برخوردار باشند و آسیبی به ارزش‌های انسانی وارد نشود. این مسئله نیاز به یک چهارچوب اخلاقی برای فضای مجازی و آی‌تی را گوشزد می‌کند.

ارزش آی‌تی، به‌عنوان یک کل، ممکن است به نظر بیشتر یک موضوع اقتصادی باشد تا یک موضوع اخلاقی. مثلاً یک شیء با ارزش معمولاً آن چیزی است که عملکرد خود را به‌خوبی انجام می‌دهد. به‌عنوان مثال، نرم‌افزار آنتی‌ویروس خوب باید از فعالیت ویروس‌ها جلوگیری کند و آنها را از بین ببرد. اکثر اختلاف‌نظرها درباره ارزش درواقع اختلاف‌نظر راجع به دیدگاه مناسب برای ارزیابی است. آنچه اکنون مسئله ارزش فناوری اطلاعات را یک مسئله اخلاقی می‌کند دشواری در تعیین دیدگاه مناسب (با علایق آن) است که آن را ارزیابی، و چالش‌های پیش روی آن را حل‌وفصل کند.

این سؤال فراتر از تمایلات افراد برای استفاده از فناوری اطلاعات است و درنهایت برای ما به یک سؤال اخلاقی تبدیل می‌شود. بنابراین، دامنه مسائل اخلاقی برای آی‌تی گسترده‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود. چالش‌های اخلاقی و راه‌حلی که در سطح فناوری دیجیتال ارائه می‌شود با مسائل اخلاقی روزمره انسان‌ها چه تفاوتی دارد و چه ویژگی‌هایی از فناوری اطلاعات باعث ایجاد مسائل اخلاقی جدید می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال باید به کارکرد آن در جهان معاصر دقت کرد:

آی‌تی (فناوری اطلاعات) تمام اشکال فناوری است که برای ایجاد، ذخیره، تبادل و استفاده از اطلاعات در اشکال مختلف آن (داده‌های تجاری، مکالمات صوتی، تصاویر ثابت، تصاویر متحرک، ارائه‌های چندرسانه‌ای، و سایر اشکال، از جمله آنهایی که هنوز تصور نشده‌اند) به کار می‌رود (www.whatis.techtarget.com).

چند کلمه آخر این تعریف نشان می‌دهد که چرا نمی‌توان انتظار پاسخ قطعی برای این سؤال را داشت. استفاده‌های جدیدی از فناوری اطلاعات هست که امکان اقدامات جدید، پاسخ‌های جدید، ورود نهادهای جدید و امکان روابط جدید را با یکدیگر فراهم می‌کند. فناوری اطلاعات (آی‌تی) و در سطح گسترده‌تر هوش مصنوعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد دنیای دیجیتال، چالش‌ها و مسائل جدیدی را ایجاد کرده است. لذا مسائل مربوط به حریم خصوصی، امنیت، مالکیت و سرقت اطلاعات در ارتباط با

برنامه‌های جدید فناوری اطلاعات جنبه‌های جدیدی به خود می‌گیرند؛ به این صورت که «اخلاق اطلاعات به بررسی و ارزیابی توسعه ارزش‌های اخلاقی در حوزه اطلاعات، ایجاد ساختارهای قدرت جدید در حوزه اطلاعات، افسانه‌های اطلاعاتی، تضادها و غرض‌ورزی‌های پنهان در نظریه‌ها و عملکردهای اطلاعاتی و توسعه تعارضات اخلاقی در این حوزه می‌پردازد» (Capurro, 2005: 7 - 10).

پیشینه تاریخی و پیدایشی ارتباط اخلاق و فناوری دیجیتال مربوط به سال ۱۹۹۰ است؛ دقیقاً در همان زمانی که رایانه‌های شبکه‌ای و اینترنت به‌طور گسترده استفاده شدند. مفهوم توسعه اخلاق به‌عنوان شاخه‌ای از فناوری را نخستین‌بار در سال ۱۹۷۷ ماریو بانتر^۱ فیلسوف مطرح کرد. او این ایده را با هدف تبیین و تعیین مسئولیت‌های فناوران و دانشمندان ارائه داد؛ زیرا معتقد بود وضعیت موجود پیشرفت فناوری عمده‌تر بر شواهد تجربی محدود و روش آزمون‌وخطا استوار است و اغلب از تصمیم‌گیری‌های غیراصولی و غیرعقلانی تأثیر می‌پذیرد. وی اعلام کرد: «تکنیسین دیجیتال باید از نظر فنی و از نظر اخلاقی نیز مسئول هرگونه طراحی آن باشد؛ نه تنها باید بهینه و کارا باشد، بلکه به‌دور از مضر بودن، باید سودمند باشد؛ آن هم در طولانی‌مدت.» او یک نیاز مهم در جامعه برای ایجاد زمینه‌ای نو به نام «تکنواخلاق» را کشف کرد تا بتواند قواعد منطقی برای هدایت علم و پیشرفت فناوری بیاورد (Bunge, 1997: 96 - 107). هرچه فناوری‌ها در هر رشته به‌طور فزاینده‌ای توسعه می‌یابد، پیامدهای اخلاقی آنها، به موازات پیشرفت آنها، پیچیده‌تر می‌شود. هر شاخه سرانجام تحت اصطلاح تکنواخلاق متحد شد؛ به‌طوری‌که می‌توان درباره همه حوزه‌های فناوری بر اساس مثال‌هایی در دنیای واقعی و انواع دانش، و نه فقط دانش خاص آن رشته، مطالعه و تحقیق کرد. البته در سطح گسترده‌تر، درباره مؤلفه‌های اخلاقی فناوری فلاسفه مختلفی مانند هانس جونا^۲ و جرون ون دن هوون^۳ مطالعه کرده‌اند.

حریم خصوصی و امنیت در عصر دیجیتال، جرایم اینترنتی، کپی‌رایت، نقض حیا، اصلاحات ژنتیکی، شبیه‌سازی، تغییرات فناوری و نقش و تأثیر آن در عصر کرونا از مسائلی است که در این خصوص در نگاه‌های پژوهشی بررسی شده است. نویسندگان مختلف بیشتر به چالش‌های اخلاقی و تعارضات آن با منافع انسانی پرداخته‌اند. مقالاتی در این حوزه به نگارش درآمده‌اند که با عنوان پژوهش حاضر قرابت دارند (اما با روند و رویکرد مقاله تناسبی ندارند). از جمله در مقاله «فلسفه و اخلاق در فناوری» به روشن ساختن تفاوت حرفه با شغل و ارائه مدلی از حرفه معلمی و تفاوت میان مسئله اخلاقی با مشکل اخلاقی پرداخته شده است (حیدری، ۱۳۹۵). کتاب **اخلاق فناوری اطلاعات** نیز به صورت مصداقی به تعریف و

۱. Mario Bunge فیلسوف و فیزیک‌دان اهل آرژانتین بود (۲۰۲۰ - ۱۹۱۹).

۲. Hans Jonas فیلسوف پدیدارشناس آلمانی که از شاگردان مارتین هایدگر بود.

۳. Jeroen van den Hoven پژوهشگر هلندی در حوزه اخلاق و فناوری.

اهمیت حریم خصوصی، امنیت و مسائل حقوقی و قضایی سانسور و فیلتر می‌پردازد. در اثر دیگر، به اصول عام اخلاق اسلامی در فضای مجازی پرداخته شده است (نقدی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۹۶ - ۱۶۳). البته توجه به این نکته از سوی مخاطبان حائز اهمیت است که هوش مصنوعی نیز شامل تحول دنیای دیجیتال می‌شود که خود با چالش‌های نوظهوری روبه‌روست و آثاری در این خصوص نگاشته شده است؛ اما نیاز به پژوهشی مستقل دارد. پس، در ذکر پیشینه به آن آثار اشاره نشده است.

نوآوری مهم این پژوهش ناظر به آن است که ضرورت اخلاق اسلامی در فناوری اطلاعات و چالش‌های اخلاقی تحول دیجیتال می‌تواند به ارائه چهارچوبی نوین برای مدیریت تحول دیجیتال منجر شود. اصولی همچون عدالت، کرامت انسانی و توحیدمحوری در ارائه فضائل اخلاقی، از دیدگاه اسلامی، راهکارهایی برای حل مسائلی نظیر شفافیت الگوریتم‌ها، نابرابری دیجیتال و مخاطرات انسانی ارائه می‌کند. طراحی مدل‌های تصمیم‌گیری دیجیتال مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، نقد سیستم‌های سودگرایانه، وظیفه‌گرایانه و اخلاق فضیلت و توسعه شاخص‌هایی برای ارزیابی آثار اجتماعی تحول دیجیتال بر اساس خوانش نوآورانه اخلاق اسلامی از دیگر ابعاد خلاقانه این نوشتارند. این رویکرد، با تمرکز بر اخلاق فناوری اطلاعات، نه تنها امکان بومی‌سازی این حوزه را در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد، بلکه زمینه‌ساز تولید چهارچوب‌های اخلاقی اسلامی برای مواجهه با چالش‌های نوظهور این فناوری نیز خواهد بود. بنابراین:

۱. اخلاق اسلامی، به دلیل تمرکز بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی تحول دیجیتال، مکمل مهمی برای چهارچوب‌های اخلاقی سکولار است؛
۲. بررسی چالش‌های فناوری اطلاعات از این منظر به تولید محتوای علمی بین‌رشته‌ای و بومی‌سازی دانش در حوزه فناوری کمک می‌کند؛
۳. این موضوع به نیازهای جوامع اسلامی برای تعامل مسئولانه با فناوری‌های نوظهور پاسخ می‌دهد و بر پتانسیل‌های جهانی اخلاق اسلامی در حل چالش‌های اخلاقی تحول دیجیتال و فناوری اطلاعات تأکید می‌کند.

این امر می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای عملیاتی جدیدی منجر شود که ضمن بهره‌برداری بهینه از فناوری اطلاعات، ارزش‌های انسانی و الهی را به‌عنوان محور اصلی توسعه قرار دهند. در این راستا، بعد از توضیح مفهوم اخلاق و فلسفه اخلاق و ارتباط هر یک با حوزه دیجیتال و فضای مجازی، رویکردهای هنجاری فلسفه اخلاق در قبال چالش‌های دیجیتال به تحلیل گذاشته می‌شود و در نهایت، خوانش اخلاق اسلامی در قبال ضعف‌های این نظریه‌ها تبیین می‌شود.

تفاوت Moral و Ethics

اصطلاح «اخلاق» از واژه یونانی «Ethike» به معنای «شخصیت» گرفته شده است و در نزد یونانیان باستان به مسائلی مربوط می‌شد که انسان‌ها باید برای شکل‌گیری شخصیت نیکو انجام دهند (Aristotle, 2014: 350). امروزه «Ethics» اصطلاحی فراگیر برای حوزه‌هایی است که در آنها به مفاهیمی چون «اخلاق»، «ارزش» و «عدالت» پرداخته می‌شود. در این معنا، Ethics نه تنها به عمل و منش اخلاقی، بلکه به ارزش‌های موقعیت‌ها، اشیا و نیز عدالت در نهادهای رسمی و غیررسمی نیز توجه دارد (Schultz, 2006: 2). از این رو، Ethics به تأمل نظام‌مند درباره دیدگاه‌ها و معیارهای اخلاقی (ارزش‌ها و هنجارها) و ارزیابی اقدامات، نهادها و ویژگی‌های شخصیتی می‌پردازد (Gamlund, 2010: 124).

Ethics در این معنا شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که مطالعه مبانی و اصول اخلاقی و رفتارهای هنجاری را دنبال می‌کند (Fuchs, 2023: 5) و همچنین بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از باورها درباره رفتار درست و نادرست در یک جامعه است. رفتار اخلاقی معمولاً با هنجارهای پذیرفته‌شده عمومی همخوانی دارد؛ هرچند درک معیارهای این رفتار ممکن است میان فرهنگ‌ها و افراد متفاوت باشد (Reynolds, 2010: 3). در مقابل، واژه «Moral» از کلمه لاتین «Moralitas» به معنای منش و رفتار مناسب گرفته شده است و بر تمایز میان نیت، تصمیمات و اعمال درخور و شایسته یا نادرست دلالت دارد (Long & Sedley, 1987: 366 - 367). این اصطلاح به مجموعه‌ای از قراردادهای و باورهای مشترک درباره درست و نادرست در یک جامعه اشاره دارد که معمولاً در نتیجه توافق اجتماعی شکل می‌گیرند. با وجود این، دیدگاه‌های فردی درباره رفتار اخلاقی ممکن است بر پایه عواملی چون سن، فرهنگ، پیشینه قومی، مذهب، تحصیلات و جنسیت متفاوت باشد. برای نمونه، درحالی‌که در اکثر فرهنگ‌ها رفتارهایی مانند قتل، سرقت و آتش‌افروزی غیراخلاقی محسوب می‌شوند، رفتارهای دیگر ممکن است در یک فرهنگ پذیرفته و در فرهنگ دیگر نامقبول باشند. حتی در درون یک جامعه ممکن است درباره برخی مسائل اخلاقی اختلاف‌نظرهای بنیادین وجود داشته باشد (Reynolds, 2010: 3).

اخلاق، در معنای فلسفی آن، با پرسش از «چه باید کرد؟» همراه است و قضاوت‌های اخلاقی معمولاً با زبان «باید» (ought) بیان می‌شوند. از این منظر، Ethics ظرفیت آن را دارد که اصول عام و ساختارمند برای هدایت رفتار در موقعیت‌های نوپدید اجتماعی از جمله حوزه فناوری‌های نوین فراهم آورد، درحالی‌که Moral، به دلیل خصلت نسبی و زمینه‌مند خود، ممکن است برای حل چالش‌های اخلاقی در چنین حوزه‌هایی ناکافی باشد. بر این اساس، اخلاق فناوری اطلاعات^۱ یا Digital Ethics شاخه‌ای از

Ethics، به‌ویژه اخلاق کاربردی^۱ است. این شاخه، با بهره‌گیری از اصول اخلاقی و چهارچوب‌های نظری فلسفه اخلاق، همچون وظیفه‌گرایی، پیامدگرایی و فضیلت‌گرایی، به تحلیل و هدایت اخلاقی رفتار و تصمیم‌گیری در مواجهه با فناوری‌های نوین می‌پردازد. در نتیجه، حوزه اخلاق فناوری دیجیتال در قلمرو Ethics قرار می‌گیرد، نه صرفاً Moral.

اخلاق و فناوری اطلاعات در عصر دیجیتال

دانسته شد که فلسفه اخلاق یا Ethics شامل نظام‌بندی، دفاع و توصیه مفاهیم رفتار درست و نادرست است. فیلسوفان امروزه معمولاً نظریه‌های اخلاقی را به سه حوزه موضوعی کلی تقسیم می‌کنند: فرااخلاق، اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی. فرااخلاق یا Metaethics به بررسی این موضوع می‌پردازد که اصول اخلاقی ما از کجا سرچشمه می‌گیرد و معنای آنها چیست. آیا آنها صرفاً اختراعات اجتماعی هستند؟ آیا آنها بیش از بیان احساسات فردی ما هستند؟ پاسخ‌های فرااخلاقی به این پرسش‌ها بر موضوعات حقایق جهانی، اراده خداوند، نقش عقل در احکام اخلاقی و معنای خود اصطلاحات اخلاقی متمرکز است. اخلاق هنجاری وظیفه عملی‌تری را بر عهده می‌گیرد و آن رسیدن به معیارهای اخلاقی است که رفتار درست و نادرست را تنظیم می‌کند. این ممکن است شامل بیان عادات خوبی باشد که باید کسب کنیم، وظایفی که باید دنبال کنیم یا پیامدهای رفتارمان بر دیگران. در نهایت، اخلاق کاربردی شامل بررسی مسائل بحث‌برانگیز خاص مانند سقط جنین، نوزادکشی، حقوق حیوانات، نگرانی‌های زیست‌محیطی، هم‌جنس‌گرایی، مجازات اعدام یا جنگ‌های هسته‌ای است (Fieser, 2005: 49). در بیان گسترده‌تر، مراقبت‌های بهداشتی و اخلاق پزشکی، اخلاق زیستی، اخلاق اجتماعی و اخلاق سیاسی است که همه نمونه‌هایی از اخلاق کاربردی‌اند (Dittmer, 2013: 2).

فناوری اطلاعات را می‌توان به دو صورت به اخلاق ربط داد: اول اینکه فناوری اطلاعات به‌عنوان یک حرفه با منافع عمومی در هم تنیده است (Schultz, 2006: 45). هرگونه چالش اخلاقی می‌تواند آسیب‌های زیادی را برای ذی‌نفعان این حرفه به دنبال داشته باشد؛ دوم اینکه اخلاق در موفقیت شرکت‌ها و برنامه‌های فناوری اطلاعات نیز نقش مهمی بازی می‌کند. یک رسوایی اخلاقی در این حیطه حتی می‌تواند به شکست شرکت بزرگ تجاری بینجامد (Northcutt, 2004: 2).

با توجه به تقسیم‌بندی فلسفه اخلاق به سه سطح فرااخلاق، اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی، می‌توان دریافت که مواجهه با چالش‌های فناوری اطلاعات مستلزم تحلیل در سطح اخلاق کاربردی

1. Applied Ethics.

است؛ اما کفایت این رویکرد منوط به توانایی آن در به‌کارگیری چهارچوب‌های نظری اخلاق سنتی است. از این‌رو، بررسی تطبیقی رویکردهایی چون وظیفه‌گرایی، پیامدگرایی و اخلاق فضیلت نسبت به مسائل نوپدید عصر دیجیتال ضرورتی علمی است. این ارزیابی نشان خواهد داد که آیا این نظریه‌ها قابلیت پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های اخلاقی تحول دیجیتال را دارند یا نیازمند بازاندیشی در اصول بنیادین اخلاق‌اند.

چهار رویکرد رایج برای تصمیم‌گیری اخلاقی در حوزه دیجیتال و فناوری اطلاعات

۱. رویکرد فایده‌گرایانه

معروف‌ترین نظام نتیجه‌گرایی^۱ در اخلاق که بر پیامد فعل تأکید دارد نظام «سودگرایی»^۲ است. این نظریه را جرمی بنتام و جان استوارت میل توسعه دادند. این نظریه بر این اساس استوار است که عمل درست عملی است که بیشترین منفعت یا خوشی را برای بیشترین تعداد افراد فراهم کند (Bentham, 1789: 11). بر اساس رویکرد فایده‌گرایانه، یک انتخاب اخلاقی زمانی درست است که بیشترین منفعت را در مقایسه با زیانش ایجاد کند. بنابراین، فرایند دیجیتالی‌سازی زمانی مقبول است که در مجموع، سود آن برای جامعه بیشتر از زیان‌های احتمالی‌اش باشد (Fuchs, 2023: 14).

اینکه پیامدها برای چه کسانی در نظر گرفته شوند مهم است. این محدودیت‌ها در حل چالش‌های دنیای دیجیتال افزایش خواهند یافت. زندگی با رسانه‌های دیجیتال، به دلیل گسترش روابط و پیدایش مسائل نوپدید، تعیین زمان موردنیاز برای محاسبات پیامدگرایانه و تعیین دامنه افراد مربوط را بسیار دشوار می‌کند. (Ess, 2009: 173 - 176).

ضعف‌های رویکرد فایده‌گرایانه در حل چالش‌های اخلاقی فناوری دیجیتال

اگر عملی اخلاقی است که سود یا خیر را برای حداکثر افراد در جهان بیشینه کند، ظاهراً شرکتی مانند «فیس‌بوک» به لحاظ اخلاقی مجاز است که اطلاعات ده درصد از ذی‌نفعان خود را بدون اجازه بفروشد و از سود آن خدمات بسیار بهتری در اختیار بیشتر ذی‌نفعان قرار دهد؛ چراکه توانسته است سود یا خیر را بیشینه کند؛ اما چنین کنش‌هایی به لحاظ شهودی اخلاقی به نظر نمی‌رسد (شریف‌زاده، ۱۴۰۱: ۳۴۷). یا مثلاً این رویکرد که بر پیامدهای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات متمرکز است تلاش می‌کند استفاده از روبات‌های هوشمند را در راستای بیشینه‌سازی رفاه و منفعت اجتماعی هدایت کند؛ اما رویکرد فایده‌گرایی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی روبات‌های هوشمند با این محدودیت‌ها روبه‌روست:

1. Consequentialism.
2. Utilitarian Approach.

الف) نقض حقوق فردی: در تصمیم‌گیری‌های روبات‌های خودران ممکن است جان یک نفر برای نجات تعداد بیشتری از افراد فدا شود، که با اصول اخلاقی مانند کرامت انسانی مغایرت دارد؛

ب) پیچیدگی پیش‌بینی پیامدها (Singer, 2011: 137)؛

ج) پیش‌بینی نتایج بلندمدت استفاده از روبات‌های هوشمند دشوار است؛ زیرا فناوری و جامعه به سرعت در حال تحول‌اند؛

د) بی‌توجهی به نیت و انگیزه: فایده‌گرایی صرفاً بر نتایج متمرکز است و نیت طراحان یا کاربران روبات‌ها را در نظر نمی‌گیرد. این غفلت می‌تواند منجر به اقدامات غیرمسئولانه شود (Stuart Mill, 2001: 55)؛

هـ) یکی از پیچیدگی‌های این رویکرد این است که اندازه‌گیری و مقایسه ارزش‌های مزایا و هزینه‌های خاص اغلب، اگر غیرممکن نباشد، دشوار است. همچنین، پیش‌بینی کامل مزایا و آسیب‌های ناشی از یک تصمیم می‌تواند دشوار باشد (Reynolds, 2010: 19).

۲. رویکرد خوب مشترک

دلیل اینکه این رویکرد در کنار رویکردهای هنجاری فلسفه اخلاق در مواجهه با چالش‌های اخلاقی فناوری اطلاعات مطرح می‌شود این است که به اعتقاد برخی رویکرد خوب مشترک می‌تواند بهترین معیار برای ارزیابی مسائل فناوری اطلاعات باشد. لذا درست است که یک رویکرد مطرح در فلسفه اخلاق نیست؛ اما به دلیل طرح از سوی برخی صاحب‌نظران و نزدیکی معیارهای ارائه‌شده آن به رویکرد فایده‌گرایی، آن را نیز به تحلیل می‌گذاریم.

«رویکرد خوب مشترک»^۱ ریشه در فلسفه اخلاق ارسطویی و سنت اخلاقی کاتولیک دارد. این مفهوم را فیلسوفانی مانند ارسطو و توماس آکویناس در مباحث اخلاقی و سیاسی به‌عنوان هدفی برای جامعه مطرح کرده‌اند. در دوران معاصر، آمیتای اتزیونی^۲ یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد است که در چهارچوب فلسفه جامعه‌گرایی^۳ به آن پرداخته است. همچنین، در حوزه فناوری، لوچیانو فلورییدی^۴ این مفهوم را در زمینه اخلاق اطلاعاتی مطرح کرده است. جان رالز خیر مشترک را این‌گونه تعریف می‌کند: «شرایط عمومی معینی که به‌طور مساوی به نفع همه است» (Rawls, 1999: 217). بر اساس این نظریه، تصمیم‌گیری و انتخاب اخلاقی باعث پیشرفت خیر مشترک در جامعه می‌شود و اگر چیزی از نظر

1. Common Good Approach.
2. Amitai Etzioni.
3. Communitarianism.
4. Luciano Floridi.

اخلاقی در یک جامعه خصوصی باشد، ناقص است. اعضای جامعه سیاسی موظف‌اند که به امور مشترک اهمیت دهند. اگر آنها صرفاً به زندگی خصوصی افراد یا خود توجه کنند، یک نقص اخلاقی در جامعه محسوب می‌شود. اعضای جامعه در یک رابطه اجتماعی متقابل قرار دارند و لازمه این رابطه آن است که به شیوه‌هایی فکر و عمل کنند که شکل خاصی از نگرانی متقابل را دربرگیرد. خیر عمومی گویای این شکل از نگرانی است (Hussain, 2018: 4).

جامعه‌ای که رویکرد خیر مشترک را مبنای تصمیم‌گیری‌های خود قرار می‌دهد جامعه‌ای است که در آن اعضا برای تحقق ارزش‌ها و اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. این رویکرد به ارزیابی عینی و عملی تصمیمات و اقدامات در حوزه فناوری اطلاعات و دیجیتال کمک می‌کند و تأثیر احساسات و ترجیحات شخصی را در فرایند تصمیم‌گیری کاهش می‌دهد. از این طریق، فناوری اطلاعات و دیجیتال به‌عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی و حل چالش‌های انسانی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود و از سوءاستفاده از فناوری برای اهداف غیراخلاقی یا ضدانسانی جلوگیری می‌شود.

یک. ضعف‌های رویکرد خوب مشترک در حل چالش‌های اخلاقی فناوری دیجیتال

۱. مردم اغلب دیدگاه‌های متفاوتی درباره چپستی منفعت عمومی دارند، و این تفاوت‌ها دستیابی به اجماع را دشوار می‌سازد.

۲. این رویکرد ممکن است به نادیده گرفتن حقوق و منافع اقلیت‌ها و افراد محروم و ضعیف منجر شود و به بی‌عدالتی و تبعیض در توزیع فواید و هزینه‌های فناوری اطلاعات و دیجیتال دامن زند (مزینی و مرادحاصل، ۱۳۹۵: ۹۳).

۳. علاوه بر این، حفظ منفعت عمومی اغلب مستلزم آن است که برخی گروه‌ها هزینه‌های بیشتری را نسبت به سایرین متحمل شوند. برای مثال، مالکان خانه‌ها برای حمایت از مدارس دولتی مالیات بر دارایی می‌پردازند، اما ساکنان آپارتمان این کار را نمی‌کنند.

دو. مقایسه رویکرد خوب مشترک با فایده‌گرایی

درحالی‌که هر دو رویکرد به منافع جامعه توجه دارند، تفاوت‌های بنیادینی میان رویکرد خوب مشترک و فایده‌گرایی وجود دارد:

تمرکز بر هدف مشترک در مقابل حداکثر کردن سود کل

فایده‌گرایی بر این اصل استوار است که تصمیمات اخلاقی باید سود یا خوشبختی کلی جامعه را به حداکثر برسانند؛ درحالی‌که سود کلی جامعه می‌تواند به ضرر منافع گروه‌های خاص یا افراد تمام شود؛ به شرطی که سود جمعی بالاتر باشد.

خوب مشترک تأکید می‌کند که هدف باید تأمین منافع عمومی باشد که برای همه اعضای جامعه ضروری است (مانند عدالت، امنیت و محیط زیست سالم)، حتی اگر سود کلی حداکثر نشود.

تعریف خوشبختی یا سود

در فایده‌گرایی، خوشبختی یا سود عموماً با لذت و رهایی از درد تعریف می‌شود (بنابر دیدگاه جرمی بنتام و جان استوارت میل) (Bentham, 1789: 11).

در خوب مشترک، خوشبختی به معنای دستیابی به شرایطی است که جامعه بتواند در یک مسیر منسجم و عادلانه زندگی کند (مانند دسترسی به آموزش، سلامت و عدالت). مثلاً بنابر رویکرد فایده‌گرایی در چالش حریم خصوصی کاربران، یک شرکت می‌تواند داده‌های کاربران را برای اهداف تجاری استفاده کند، به شرطی که سودی که از این کار برای جامعه (مثل پیشرفت تکنولوژی یا خدمات بهتر) به دست می‌آید بیشتر از زبانی باشد که به حقوق کاربران وارد می‌شود. درمقابل، رویکرد خیر مشترک تأکید می‌کند که حفظ حریم خصوصی بخشی از خوب مشترک جامعه است و باید بدون توجه به سود مالی یا رفاه کلی، به‌عنوان یک اولویت اساسی در نظر گرفته شود.

۳. رویکرد وظیفه‌گرایانه

رویکرد وظیفه‌گرایی^۱، که ایمانوئل کانت آن را توسعه داده است، بر اصول اخلاقی مطلق و تکالیف فردی تأکید دارد. در این رویکرد، احترام به قوانین و حقوق دیگران به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، نه صرفاً ابزاری برای دستیابی به نتیجه مطلوب (Kant, 1998: 15).

در زمینه کپی‌رایت و دانلود غیرقانونی موسیقی و فیلم، وظیفه‌گرایی بر این اصل استوار است که رعایت حقوق مالکیت فکری اثر یک الزام اخلاقی است؛ زیرا نقض این حقوق تجاوز به مالکیت دیگران و نادیده گرفتن تعهدات قانونی است.

ضعف‌های رویکرد وظیفه‌گرایی در حل چالش‌های فناوری دیجیتال

یکی از ضعف‌های وظیفه‌گرایی در مواجهه با مسائلی مانند دانلود غیرقانونی نرم‌افزار بی‌توجهی به شرایط و زمینه‌های عملی است. وظیفه‌گرایی صرفاً بر اصل مطلق «رعایت قانون کپی‌رایت» تأکید دارد و به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی بی‌اعتناست. برای مثال، در مناطقی که نرم‌افزارهای موردنیاز با قیمت‌های گزاف و خارج از دسترس افراد عادی عرضه می‌شود، وظیفه‌گرایی همچنان بر پیروی از قانون پافشاری می‌کند، بدون اینکه امکان تحقق عدالت عملی یا دسترسی برابر به منابع را در

1. Deontological Ethics.

نظر بگیرد. این نگرش گاهی می‌تواند باعث بی‌عدالتی ضمنی شود؛ زیرا نیازهای ضروری کاربران نادیده گرفته می‌شود (O'Neill, 1975: 8).

بنابراین در مواردی که بهینه‌سازی نتایج در سطح جهانی یا جمعی اهمیت دارد (مانند بحران‌های زیست‌محیطی یا توزیع منابع)، وظیفه‌گرایی ممکن است به نتایج غیربهینه منجر شود. به‌طور مثال، یک الگوریتم وظیفه‌گرا ممکن است از اتخاذ تصمیمات اقتصادی سودمند برای جوامع فقیر صرفاً به دلیل عدم تطابق با قوانین اخلاقی خاص خودداری کند.

۴. رویکرد اخلاق فضیلت

بر اساس رویکرد هنجاری اخلاق فضیلت^۱، انتخاب اخلاقی به بهترین وجه منعکس‌کننده فضائل اخلاقی در افراد و جامعه است و فرض بر این است که مردم با فضیلت‌های خود هدایت می‌شوند تا به تصمیم «درست» برسند (Reynolds, 2010: 18).

مسئله اصلی در اخلاق فضیلت دستیابی به زندگی نیک و بافضیلت است و انسان فضیلت‌مند کسی است که مهم‌ترین قابلیت‌های خود را بالفعل کند. شنون والر^۲ معتقد است اخلاق فضیلت کاربردهای گسترده‌ای برای پرسش‌های اخلاق فناوری اطلاعات دارد. او نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی بر فضیلت‌های انسانی صبر، درستکاری و همدلی اثر می‌گذارد (Vallor, 2009: 161).

رویکرد اخلاق فضیلت در حل چالش‌های فضای مجازی و فناوری اطلاعات بر اساس این ایده است که افراد باید به فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی، مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری و احترام به حقوق دیگران، در تعاملات آنلاین خود پایبند باشند (Smith & et al., 2020: 1 - 15). یکی از چالش‌های اخلاقی مهم در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از موبایل مسئله گسترش اخبار کذب است. این مسئله منجر به بحران‌هایی مانند انتشار اطلاعات نادرست، کاهش اعتماد اجتماعی، تقویت قطب‌بندی سیاسی و حتی تحریک خشونت می‌شود. فناوری‌های دیجیتال و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، که اغلب برای جلب توجه کاربران طراحی شده‌اند، انتشار محتوای جذاب، اما نادرست را تسریع می‌کنند. درباره انتشار اخبار جعلی در فضای مجازی، رویکرد اخلاق فضیلت بر آن است که افراد باید به صداقت و درستی در انتشار اطلاعات پایبند باشند و قبل از انتشار هر خبری، آن را از منابع معتبر بررسی کنند.

اخلاق فضیلت، به دلیل نقش شناخت اخلاقی، اهمیت موضوع روابط انسانی و تأکید بر تربیت انسانی، نسبت به دو نظریه رقیب (وظیفه‌گرایی و پیامدگرایی)، مناسب‌تر است. می‌توان دلایل برتری

1. Virtue Ethics Approach.

2. Shanon Vallor.

اخلاق فضیلت را از نظر والر هم کاوید. او به یک نکته کلیدی اشاره می‌کند که می‌توان آن را دلیل برتری رویکرد فضیلت بر دیگر رویکردها دانست. تحول سریع شبکه‌های اجتماعی سبب می‌شود پژوهش‌های اخلاقی، به جای یک مسئله واحد، با چندین مسئله متغیر روبه‌رو باشند. بنابراین، لازم است رویکردی که باید مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد از انعطاف‌پذیری برخوردار باشد. اخلاق فضیلت چنین پویایی‌ای دارد (Vallor, 2009: 158). دو مفهوم فضیلت و حکمت عملی این قابلیت را به اخلاق فضیلت داده است. داشتن فضیلت به تنهایی نمی‌تواند عامل فعل اخلاقی باشد، بلکه باید حکمت عملی هم مسیر درست فعل اخلاقی را تشخیص دهد. این توانایی برخلاف عقل نظری ناظر بر امور کلی و ضروری نیست. اخلاق فضیلت در مقام معرفت‌شناسی این امکان را فراهم می‌کند که فرد فعل درست را در موقعیت‌های خاص تشخیص دهد و از صدور احکام کلی بپرهیزد (برادران نیکو و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

فرد، با توجه به پیچیدگی‌های عصر فناوری اطلاعات در مواجهه با مسائل نوظهور و تغییرپذیر حاصل از فناوری شبکه‌های اجتماعی، اولاً توسط تمایلات ناشی از فضائل و ثانیاً با کمک حکمت عملی بهترین راه‌حل اخلاقی را انتخاب می‌کند (Vallor, 2009: 159).

قوت دیگر اخلاق فضیلت در این است که به خود عامل اخلاقی و داوری‌های وی اهمیت می‌دهد و در بند قواعد و قوانین مطلق نیست. در اینجا پرسش «چه باید بکنیم» جایش را به «چه نوع انسانی باید باشیم» می‌دهد.

چالش‌های اخلاق فضیلت در مواجهه با فناوری دیجیتال

با این حال، در اینکه این نظریه بتواند راهنمای اخلاقی خوبی برای حرفه فناوری اطلاعات - و در کل حرفه‌ها - باشد می‌توان تشکیک کرد. وجود اصول و کدهای اخلاق حرفه‌ای نشان می‌دهد که اخلاق فضیلت نظریه هنجاری مبنایی ارائه‌دهندگان نبوده است؛ چراکه اخلاق فضیلت در پی ارائه اصل یا کد اخلاقی نیست. از این گذشته، معلوم نیست که اخلاق فضیلت در موقعیت‌های دشوار و دوراهی‌های اخلاقی چگونه می‌تواند به عامل اخلاقی کمک کند (Dimmock & Fisher, 2017: 58).

نکته مهم‌تر آنکه اگر کاربران فاقد فضائل لازم باشند یا اولویت‌های اخلاقی مختلفی داشته باشند، این رویکرد ممکن است در حل چالش مؤثر نباشد؛ چراکه اخلاقی عمل کردن را منوط به رشد اخلاقی فرد کرده است. اگر فرد رشد اخلاقی نداشت و خواست فضیلت‌مندانه عمل کند، باید چه کند؟ یک فیلسوف اخلاق به نام مایکل اسمیت یک راهکار در این زمینه ارائه می‌دهد و آن اینکه او خود را به جای فاعل فضیلت‌مند فرض کند که اگر فاعل فضیلت‌مند در این موقعیت بود، چه می‌کرد، و او هم همان را مبنای عمل خویش قرار دهد (Slote, 2001: 117 - 118). اما این راهکار نیز کارا نیست؛ زیرا شناخت رفتار

ضرورت رعایت معیارهای اخلاق اسلامی ناظر به رویکردهای متعارف فلسفه اخلاق در چالش‌های فناوری ... □ ۱۶۳

اخلاقی منوط به تشخیص رابطه بالقیاس بین فعل و نتیجه فعل است؛ یعنی باید فعل تأثیر مستقیم در آن نتیجه خاص، که سعادت نهایی و قرب الی الله است، داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۷۰؛ نبوی میبدی، ۱۴۰۳: ۱۱۷ - ۱۱۶).

بنابراین، اخلاق فضیلت در حل چالش‌های تحول دیجیتال، علی‌رغم برتری‌هایش، با دو ضعف مواجه است: عدم ارائه راهکارهای عملی و وابستگی به سطح رشد اخلاقی فرد.

معیارهای اخلاق اسلامی در حل چالش‌های تحول دیجیتال

با توجه به اینکه چهار رویکرد در قبال این مسئله مطرح شد و ضعف‌ها و قوت‌های آنها تحلیل شد، در چهار مورد دلیل برتری اخلاق اسلامی بر آنها تشریح می‌شود. البته می‌توان در تحلیل هر رویکرد به چند روش، اخلاق اسلامی را در مقابل آنها قرار داد و به تفکیک آنها را بررسی کرد؛ اما مجال مقاله این اجازه را نمی‌دهد. لذا سعی می‌شود به‌طور خلاصه، اما تا حد مقدور جامع، خوانش اخلاق اسلامی را در راستای ضعف‌های مطرح‌شده تبیین کرد:

۱. مواجهه اخلاق اسلامی با فایده‌گرایی در فناوری اطلاعات

خوانش اخلاق اسلامی در قبال فایده‌گرایی، که یک رویکرد نتیجه‌محور است، با دو عنصر توجه به نیت الهی و اصل کرامت انسانی توضیح داده می‌شود.

یک. کرامت انسانی

کریم از واژه‌هایی است که معنای بسیطی ندارد و دارای دو معنای سلبی و ایجابی است. کسی که فرومایه نباشد و اعتلای روحی داشته باشد کریم است (افضلی، ۱۳۸۹: ۸۷). در اخلاق اسلامی، کرامت انسانی در دو بعد ذاتی و اکتسابی تعریف می‌شود. کرامت ذاتی یعنی انسان در اصل آفرینش بر دیگر موجودات برتری دارد (اسراء / ۷۰)؛ کرامت اکتسابی یا اختیاری یعنی انسان با خصلت‌های اخلاقی و کسب فضائل روحی آن را به دست آورد (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۸).

کرامت انسانی دارای ارزش ذاتی است؛ برخلاف ارزش بیرونی که اغلب در محاسبات سودمندی به آن توجه می‌شود. کرامت انسانی چیزی نیست که بتوان آن را با سودمندی بیشتر اندازه‌گیری یا قربانی کرد. سودمندگرایی، با تمرکز بر نتیجه و سود به جای تمرکز بر ارزش ذاتی افراد، خطر نادیده گرفتن این اصل اساسی را دارد (Kusmaryant, 2022: 31). در اخلاق اسلامی، کرامت انسانی ارزش ذاتی دارد و هیچ مصلحتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. به همین دلیل، تصمیم‌گیری‌های روبات‌های هوشمند باید

به‌گونه‌ای باشد که کرامت و حقوق همه افراد حفظ شود. درمقابل، فایده‌گرایی^۱ در فلسفه اخلاق اغلب بر نتیجه‌گرایی و حداکثرسازی سود جمعی تأکید دارد. این رویکرد ممکن است به نادیده گرفتن حقوق فردی یا حتی قربانی کردن برخی افراد به نفع اکثریت منجر شود.

در اخلاق اسلامی، کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین و نقض‌ناشدنی در شرایط عادی است. این اصل توسعه‌دهندگان فناوری را ملزم می‌کند که حقوق کاربران، از جمله رضایت آگاهانه و حفظ حریم خصوصی، را حتی در مواجهه با منافع چون سود اقتصادی رعایت کنند. برای مثال، در حوزه کلان‌داده، شرکت‌ها نباید اطلاعات شخصی کاربران را بدون رضایت صریح آنان ذخیره و تحلیل کنند، مگر آنکه ضرورتی عقلایی، مشروع و مبتنی بر مصلحت عمومی مسلم، مانند تأمین امنیت جمعی یا حفظ جان انسان‌ها، وجود داشته باشد. در موارد تعارض میان کرامت فردی و مصالح عمومی، اخلاق اسلامی، با بهره‌گیری از قاعده‌های فقهی همچون «تقدیم اهم بر مهم»، «قاعده لاضرر» و «قاعده تراحم»، به تحلیل دقیق موقعیت می‌پردازد تا راه‌حلی بیابد که کمترین آسیب به کرامت انسانی وارد شود و در عین حال ضرورت‌های اجتماعی نیز رعایت شود. در این چهارچوب، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تنها زمانی پذیرفتنی است که ضوابطی چون مشروعیت، ضرورت، تناسب با اصول اساسی اسلامی و توحید، و رضایت (در شرایط خاص) رعایت شده باشد. این نگاه منطقی و در عین حال اصل‌محور نشان‌دهنده برتری اخلاق اسلامی است؛ زیرا برخلاف فایده‌گرایی که ممکن است سود جمعی را حتی به قیمت نقض حقوق افراد توجیه کند، اخلاق اسلامی در پی آن است که حتی در شرایط اضطرار کرامت انسانی را تا حد امکان محفوظ نگه دارد.

دو. نیت الهی

در اخلاق اسلامی، عمل اخلاقی عملی است که شایستگی درگاه خداوند متعال را داشته باشد و عملی شایسته درگاه خداوند است که طبق وجه خدا باشد؛ یعنی نیت اکمل که اخلاص یا رضایت خداوند است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱ / ۴۸۵ و ۱۴ / ۵۶۵). مراد از فعل اخلاقی آن عملی است که طبق عقاید توحیدی نیت شود و با آن سازگار باشد. اخلاص هم تنها در سایه‌سار توحید معنا دار است. اساس قوانین در نظام اسلامی بر پایه توحید فطری طرح‌ریزی شده است و دانشمندان و قانون‌گذاران نیز در قوانین خود نباید معارف توحیدی را نادیده بگیرند (همان: ۱ / ۹۹).

از منظر اخلاق اسلامی، توحیدمحوری نه تنها بر رابطه فرد با خدا تأکید دارد، بلکه جهان‌بینی یکپارچه‌ای ارائه می‌کند که در آن اخلاق، علم و فناوری در خدمت سعادت و تکامل انسان و جامعه قرار می‌گیرند.

1. Utilitarianism.

این اصل نه تنها انسان را به پذیرش مسئولیت فردی و اجتماعی هدایت می‌کند، بلکه چهارچوبی ارائه می‌دهد که هر فناوری باید در راستای اهداف متعالی باشد. این رویکرد از پذیرش پراکندگی و تضاد ارزش‌ها جلوگیری و نظم و انسجام را در تصمیم‌گیری‌ها تضمین می‌کند.

درمقابل، فایده‌گرایی با تکیه بر حداکثرسازی منافع، اغلب دچار تکثرگرایی ارزش‌ها می‌شود و نمی‌تواند اولویت‌بندی مشخصی برای ارزش‌های متضاد ارائه دهد (Azylbekova, 2024). مثلاً فرض کنید یک مدیر فناوری اطلاعات در یک شرکت بزرگ به اطلاعات حساسی از کاربران دسترسی دارد. اگر رضایت خداوند مبنای نیت او باشد، حتی در شرایطی که سود مادی یا فشار خارجی او را به افشای این اطلاعات ترغیب کند، به این کار تن نخواهد داد؛ زیرا او می‌داند افشای اسرار دیگران مغایر با رضایت الهی است و خداوند این عمل را حرام کرده است. این نیت او را وادار می‌کند مثلاً با تقویت امنیت سایبری و محدود کردن دسترسی به اطلاعات حساس، سیاست‌ها و روش‌هایی را برای حفاظت بهتر از داده‌های کاربران ایجاد و اجرا کند. نتیجه این رویکرد حفظ اعتماد کاربران و جلوگیری از بحران‌هایی نظیر سوءاستفاده یا فروش اطلاعات است که می‌تواند به اعتبار شرکت آسیب برساند.

۲. مواجهه اخلاق اسلامی با رویکرد خوب مشترک در فناوری اطلاعات

راهکارهای اخلاق اسلامی در مواجهه با چالش‌هایی که رویکرد خوب مشترک در حل مشکلات فناوری با آنها مواجه است با فایده‌گرایی و حتی در برخی موارد با اخلاق فضیلت و وظیفه‌گرایی مشترک است؛ اما می‌توان یک مورد را لحاظ کرد که ریشه و دامنه اعم چالش این رویکرد را تشکیل می‌دهد که اخلاق اسلامی با آن مواجه نیست و می‌تواند راه‌حل خوبی به «خوب مشترک» ارائه دهد و آن این است که مبنای عقیدتی رویکرد خوب مشترک سکولاریستی است.

افلاطون استدلال کرده که فضیلت، اگر به‌درستی فهمیده شود، اساساً معرفت یا بصیرت به چیزی است که حقیقتاً خیر است. فردی که دارای این معرفت است قادر است مؤلفه‌های مختلف نفس خویش را در نسبت صحیحی با یکدیگر قرار دهد و مطابق با بصیرتش به خیر عمل کند (Nussbaum, 1986: 85 - 234). ارسطو تبیین خویش از فضائل را بر تبیینی مسبوق به مابعدالطبیعه درباره خیر بشری مبتنی کرده که طبق آن آرمان‌های رایج حیات فضیلت‌مندانه را منظم ساخته و معیارهایی برای متمایز ساختن فضائل حقیقی از همانندهای آنها ارائه کرده است (Ibid: 235 - 372). برای اینکه تصمیم‌سازی اخلاقی باشد، لازم است فضیلت اخلاقی داشت. آیا با این تبیین از فضیلت که انسان باید دارا باشد، می‌توان در تصمیم‌سازی‌های اخلاقی در چالش‌های انسانی موفق بود؟

اگر فناوری و تکنولوژی اطلاعات صرفاً با فضائل سکولار برنامه‌ریزی شود، ممکن است ارتداد و نابخوابوری را ترویج کند (Saihu, 2022: 18 - 31) و در تصمیماتی که اعتقاد به خدا مانع آزار افراد یا منجر به عدالت و برابری می‌شود، با کم‌کاری و ضعف مواجه شود. در تبیین خوب مشترک، خدا و باور به او جایی ندارد. لذا این مهم تبعاتی دارد؛ هم در سطح طراحان فناوری اطلاعات و هم در سطح کاربران آن. وقتی فناوری اطلاعات بر اساس فضائل سکولار طراحی و مدیریت شود، به دلیل حذف یا نادیده گرفتن مفاهیمی مانند خدا، اخلاق الهی و هدف غایی معنوی، چهارچوب‌های اخلاقی محدود و صرفاً انسانی بر آن حاکم می‌شود. این موضوع به دو پیامد مهم منجر می‌شود:

یک. در سطح طراحان فناوری اطلاعات

در نظام اخلاق اسلامی، مفاهیمی همچون عدالت، کرامت انسانی و صداقت فروعی از اصولی بنیادین مانند توحید، خلافت انسان و مسئولیت در برابر خداوند در دنیا و آخرت‌اند. بنابراین، حذف خداوند از عرصه طراحی و توسعه فناوری به معنای قطع پیوند با اصول اخلاقی متعالی است و در نتیجه، طراحان سیستم‌ها ممکن است ناخواسته به سوی اهدافی چون کارایی صرف، سودآوری کوتاه‌مدت، و رضایت آنی حرکت کنند. در چنین شرایطی، عدالت و کرامت انسانی - که در اخلاق اسلامی ریشه در باور به غایت‌مندی انسان و توحیدمداری دارند - نه تنها اولویت خود را از دست می‌دهند، بلکه ممکن است اصولاً مورد توجه قرار نگیرند.

دو. در سطح کاربران

کاربران و تصمیم‌گیرندگان ممکن است سیستم‌های دیجیتال و الگوریتم‌های تصمیم‌یار در هوش مصنوعی را بدون بررسی و نقد بپذیرند و به مرور زمان، نگرش آنها به ارزش انسان نیز بر پایه صرف سودمندی اقتصادی و کارایی مادی شکل گیرد. این نوع محاسبه‌گری، برخلاف سنجش عقلانی معقول، زمانی نگران‌کننده می‌شود که جایگاه انسان، به جای آنکه هدف و غایت باشد، به ابزار تحقق منافع اقتصادی تبدیل شود. در چنین حالتی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی قربانی کارایی می‌شود. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹ پژوهشی در مجله *ساینس*^۱ نشان داد که الگوریتمی در نظام سلامت ایالات متحده برای شناسایی افراد نیازمند درمان، از سابقه هزینه‌های پزشکی به جای میزان واقعی نیاز بهره می‌برد. چون افراد فقیرتر توان پرداخت هزینه نداشتند، کمتر به پزشک مراجعه کرده بودند و در نتیجه الگوریتم به اشتباه آنها را «کم‌نیازتر» تشخیص داد. این خطای محاسبه‌گرایانه میلیون‌ها نفر از بیماران نیازمند را از

ضرورت رعایت معیارهای اخلاق اسلامی ناظر به رویکردهای متعارف فلسفه اخلاق در چالش‌های فناوری ... □ ۱۶۷

خدمات محروم کرد و نشان داد که رویکرد صرفاً اقتصادی به انسان، حتی در سیستم‌های پیشرفته، می‌تواند به تبعیض و تزییع حقوق منجر شود. بنابراین، محاسبه‌گری مبتنی بر سودمندی اقتصادی، در صورتی که جایگزین سنجش اخلاقی کرامت‌محور شود، خطری جدی برای عدالت انسانی در عصر دیجیتال خواهد بود (Obermeyer & et al., 2019: 447 - 453).

۳. مواجهه اخلاق اسلامی با وظیفه‌گرایی در فناوری اطلاعات

بیان شد که وظیفه‌گرایی بر انجام وظایف و اصول اخلاقی به‌طور مطلق تأکید دارد، اما در بسیاری از موارد ممکن است انعطاف‌پذیری کمتری در مواجهه با شرایط پیچیده داشته باشد. درمقابل، اخلاق اسلامی، با تکیه بر اصول ثابت و درعین‌حال انعطاف‌پذیری در احکام، به تعادل بین حقوق فردی و جمعی، نیت‌های اخلاقی و رعایت کرامت انسانی توجه بیشتری دارد. برتری اخلاق اسلامی بر رویکرد وظیفه‌گرایی^۱ در حل تعارضات اخلاقی هوش مصنوعی را می‌توان از چندین جنبه توضیح داد:

یک. انعطاف‌پذیری اخلاق اسلامی در مواجهه با شرایط پیچیده

یکی از نقدهای مهم به نظریه وظیفه‌گرایی مطلق‌گرایی آن در اجرای اصول اخلاقی است؛ به این معنا که این نظریه معمولاً بدون توجه کافی به شرایط و پیامدهای خاص، تنها به اجرای بی‌قیدوشرط وظایف می‌پردازد. درمقابل، اخلاق اسلامی، با حفظ اصول بنیادین مانند کرامت انسان، عدالت و رعایت حقوق دیگران، در مقام اجرا از انعطاف‌پذیری برخوردار است. این انعطاف با بهره‌گیری از اجتهاد، قاعده لاضرر و اصل مصلحت تحقق می‌یابد؛ یعنی در مواردی که شرایط خاص، خطرها یا مصالح عمومی در میان باشد، امکان بازنگری در احکام جزئی وجود دارد. برای نمونه، در مواردی که ذخیره‌سازی موقت داده‌های شخصی کاربران در سامانه‌های دولتی (مانند سامانه‌های حمایتی در شرایط بحران اقتصادی یا سلامت) برای ارائه خدمات فوری و ضروری الزامی باشد، گرچه اصل اولیه اقتضا می‌کند که هرگونه استفاده از داده‌های شخصی نیازمند رضایت صریح کاربر است، با توجه به اصل مصلحت، می‌توان در شرایط استثنایی و با رعایت حدود شرعی و حفظ امنیت اطلاعات، این اقدام را مجاز دانست. چنین رویکردی نشان می‌دهد اخلاق اسلامی نه تنها به اصول پایبند است، بلکه با در نظر گرفتن شرایط واقعی جامعه، راهکارهایی عملی برای حل تعارض‌های اخلاقی ارائه می‌دهد.

دو. اصل مصلحت و نقش آن در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

«مصلحت در فرهنگ اسلامی به معنای مراعات رأی و منافع یک "شخص" یا یک "گروه" نیست، بلکه

1. Deontology.

مصلحت مقایسه‌ای بین "خوبی‌ها و بدی‌ها" و "نقص‌ها و کمال‌ها" می‌باشد. به تعبیر فلسفی، مصلحت باعث تأمین "کمال وجودی" است: هر کاری که برآیند آن باعث ایجاد وجود کامل‌تر گردد، آن کار مطابق مصلحت است، و هر عملی که مجموعه فعل و انفعالات آن به وجود ضعیف‌تر منجر گردد و از کمالات وجود کاسته شود، آن عمل خلاف مصلحت است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱ / ۲۲۶).

درباره مصلحت‌اندیشی این نکته مهم است که آیا کسی که طبق مصلحت عمل می‌کند اجازه دارد قانون و اخلاق را زیر پا بگذارد؟ اگر این‌گونه باشد، مصلحت بار منفی به خود می‌گیرد. منظور از اینکه در طراحی و توسعه هوش مصنوعی در اسلام مطابق با شریعت باید مصلحت را در نظر داشت چیست؟ چه کسی حد این مصلحت را تعیین می‌کند؟

با توجه به آنچه در مفهوم و حدود مصلحت گفته شد، هرگونه تلاشی در پیشبرد و کاربرد هوش مصنوعی باید در جهت مصلحت کل انسان‌ها باشد؛ نه فقط بشر امروز، بلکه تمام بشر حتی نسل آینده و کل هستی. از آنجاکه علم انسان در تشخیص این ملاک محدود است (اسراء / ۸۵)، باید به عالم مطلق، یعنی خداوند، استناد جست و مصلحت واقعی را در متون اصیل دینی یافت.

در اخلاق اسلامی، تصمیم‌گیری‌ها همواره بر اساس مصالح عمومی و شخصی تنظیم می‌شوند و این مصالح باید بر اساس اصول ثابت شرعی سنجیده شوند. فرد وظیفه‌گرا ممکن است در برخی مواقع بدون توجه به مصلحت‌های عمومی و شخصی، تصمیم‌گیری‌های خود را بر اساس وظایف محض انجام دهد، که این امر می‌تواند منجر به نتایج غیرعادلانه شود.

دولت تصمیم می‌گیرد که از سیستم‌های اطلاعات سلامت^۱ برای مدیریت داده‌های بیماران و بهبود خدمات بهداشتی استفاده کند. این سیستم‌ها داده‌های مربوط به وضعیت سلامت افراد را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند تا سیاست‌های بهداشتی موثرتری تدوین شود. اما چالش‌هایی نظیر حفظ حریم خصوصی بیماران، جلوگیری از استفاده ناعادلانه از داده‌ها، و تأثیرات بلندمدت این فناوری بر جامعه مطرح می‌شود. سیستم ممکن است طوری طراحی شود که به نفع جمعیت شهری با امکانات بیشتر باشد و داده‌های جمع‌آوری شده از مناطق روستایی یا کم‌برخوردار نادیده گرفته شود. همچنین، احتمال دارد این داده‌ها توسط شرکت‌های خصوصی برای اهداف تجاری استفاده شوند، بدون اینکه به مصلحت عمومی جامعه توجه شود.

مصلحت‌اندیشی در اخلاق اسلامی در حل این چالش این اصول را پیشنهاد می‌دهد:

حفظ حریم خصوصی افراد: اصل کرامت انسانی در اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند داده‌های سلامت

شخصی تنها برای اهداف بهداشتی و با رضایت آگاهانه افراد استفاده شود؛

1. Health Information Systems (HIS).

ضرورت رعایت معیارهای اخلاق اسلامی ناظر به رویکردهای متعارف فلسفه اخلاق در چالش‌های فناوری ... □ ۱۶۹

عدالت در دسترسی به خدمات بهداشتی: خدمات باید به‌گونه‌ای توزیع شوند که تمام اقشار جامعه، از جمله جوامع روستایی یا محروم، به صورت عادلانه از مزایای آن بهره‌مند شوند؛
حفظ منافع بلندمدت جامعه: استفاده از داده‌ها باید در جهت ارتقای سلامت کل جامعه و حفظ آن برای مدت طولانی باشد، نه صرفاً منافع تجاری یا کوتاه‌مدت شرکت‌های خصوصی.

۴. مواجهه اخلاق اسلامی با اخلاق فضیلت در فناوری اطلاعات

برخلاف اخلاق فضیلت که بیشتر بر پرورش صفات اخلاقی درونی تأکید دارد و به معیارهای عملی کمتری اشاره می‌کند، اخلاق اسلامی معیارهای روشن و عینی برای رفتارها ارائه می‌دهد و آن معیارها وابسته به رشد اخلاقی فرد هم نیست. مطابق با این دو چالش اخلاق فضیلت، لازم است اخلاق اسلامی هم معیار عینی برای فعل اخلاقی ارائه دهد و هم معیارهایش وابسته به سطح اخلاقی افراد نباشد تا طراحان و کاربران فضای مجازی و دنیای دیجیتال، حتی اگر فضیلت‌مند نباشند، بتوانند اصول اخلاقی را در نظام‌بندی کاری خود در دستور کار قرار دهند و فضیلت‌مندان عمل کنند. لذا لازمه آن این است که اخلاق اسلامی برای رفتار اخلاقی هم معیار معرفتی ارائه دهد هم معیار هستی‌شناختی که مبتنی بر واقعیت و عینی باشد.

اخلاق اسلامی بر پایه اصولی است که از وحی الهی، عقل و سنت معصومان علیهم‌السلام استخراج می‌شود و این اصول معیارهایی عینی و قابل‌فهم برای تمام افراد، فارغ از سطح رشد اخلاقی آنها، ارائه می‌دهد. معیار عینی در اخلاق اسلامی مبتنی بر احکام شرعی و قوانین الهی است که به صورت روشن، رفتارهای مجاز و ممنوع را تعریف می‌کند. از سوی دیگر، معیار هستی‌شناختی اخلاق اسلامی بر مبنای واقعیت‌های وجودی انسان، مانند کرامت انسانی، فطرت الهی و هدف غایی خلقت (سعادت ابدی)، استوار است. این معیارها، علاوه بر تأمین عدالت و نظم در جامعه، قابلیت اجرایی شدن در نظام‌های عملی، مانند طراحی فضای مجازی و دنیای دیجیتال، را دارا هستند و می‌توانند رفتارهای اخلاقی را، بدون نیاز به فضیلت‌مندی شخصی کاربران یا طراحان، نظام‌مند کنند.

در اخلاق اسلامی، معیار معرفتی بر شناخت صحیح از خداوند به‌عنوان منبع مطلق خیر و کمال استوار است. ایمان به خدای متعال نقش محوری در شکل‌دهی معرفت اخلاقی دارد؛ زیرا باور به خداوند انسان را به حقیقت جهان، هدفمندی زندگی و مسئولیت در برابر اعمال خویش آگاه می‌سازد. ایمان به خدا معرفتی را فراهم می‌کند که خیر و شر بر اساس اراده الهی و حکمت او تعریف می‌شود و این معیار اخلاقی را از نسبیّت و ابهام دور نگه می‌دارد. در پرتو ایمان، انسان می‌پذیرد که اصول اخلاقی نه تنها برای تنظیم روابط انسانی، بلکه برای تقرب به خدا و تحقق سعادت ابدی تعیین شده‌اند. این معیار معرفتی

حتی در طراحی و مدیریت فضای مجازی به طراحان و کاربران کمک می‌کند اصول اخلاقی را به‌عنوان قوانینی عینی و پایدار در نظام‌بندی کاری خود بپذیرند و اعمالشان را در جهت رضای الهی سامان دهند. درواقع، اصل معرفت‌شناسی فعل اخلاقی مبتنی بر واقع‌گرایی اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳۲) و بر مفاهیم و ارزش‌هایی است که از واقعیات و حقایق خارجی حکایت دارد: هرچه ایمان انسان در مراتب بالاتر باشد، معرفت او نیز کامل‌تر خواهد بود. علم و معرفت به‌عنوان یکی از متعلقات ایمان در زمره اصول و ریشه‌های ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شود (همان: ۱۳۲).

در تحلیل نقش معرفتی ایمان باید گفت که مؤلفه اصلی ایمان تصدیق قلبی و تسلیم درونی است؛ یعنی همان بعد گرایشی و عنصر شناختی. «ایمان اذعان و تصدیق به چیزی همراه با التزام به لوازم آن است» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳ / ۱۵) و به‌طور خلاصه «اصطلاح ایمان به معنای تصدیق می‌باشد» (همان: ۳۲۹ / ۹). لذا کارکردی که از ایمان می‌توان یافت این است که ایمان درواقع بر بعد بینشی فضائل اخلاقی اثرگذار است. «ایمان حاکی از سکون و آرامش خاصی در نفس نسبت به امری است و از لوازم آن التزام عملی به آن چیزی است که بدان ایمان آورده شده است» (همان: ۱۶ / ۲۷۷). نیز ر.ک: سجده / ۱۸). مقتضای عقد قلبی ایمان آن است که شخص از خدا و رسول پیروی کند و دعوت آنها را بپذیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۱۶۰). پس، ایمان باور محض نیست، بلکه باید به لوازم آنچه بدان معتقد شده است هم پایبند باشد (همان: ۵ / ۲۲۱ - ۲۲۰). مثلاً در حوزه فناوری اطلاعات، یکی از چالش‌های اخلاقی مهم انتشار اطلاعات نادرست است که می‌تواند به گمراهی، تفرقه و آسیب‌های اجتماعی منجر شود. اخلاق فضیلت برای حل این چالش بر تربیت فضائل درونی مانند صداقت و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد؛ اما این رویکرد در فضایی مانند فضای مجازی، که کاربران و طراحان ممکن است از سطوح مختلف اخلاقی و تربیتی برخوردار باشند، کافی نیست.

اخلاق اسلامی، با معیارهای معرفتی، عینی و هستی‌شناختی خود، راه‌حل مؤثرتری ارائه می‌دهد. بر اساس معیار معرفتی، ایمان به خدا و مسئولیت در برابر او کاربران و طراحان را به آگاهی از پیامدهای واقعی انتشار اطلاعات نادرست وادار می‌کند. از سوی دیگر، معیار عینی اخلاق اسلامی قوانینی روشن مانند «حرمت دروغ و تهمت» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۳۵۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۷ ق: ۱ / ۵۸۷) را ارائه می‌دهد که مستقل از فضیلت‌مندی افراد، رفتارها را سامان می‌بخشد؛ علاوه بر آنکه معصیت خداوند حرام است و انسان معتقد آن را انجام نمی‌دهد؛ زیرا آن را خارج شدن از حیطة اطاعت و ولایت خداوند یگانه می‌داند.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و تحول دیجیتال، به‌رغم ظرفیت‌های

گسترده‌ای که برای بهبود کیفیت زندگی و ارتقای کارآمدی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی فراهم آورده‌اند، زمینه‌ساز شکل‌گیری موقعیت‌های نوظهور و پیچیده اخلاقی شده‌اند که اغلب در چهارچوب رویکردهای کلاسیک فلسفه اخلاق به‌خوبی قابل تحلیل یا حل نیستند. رویکردهایی مانند فایده‌گرایی، وظیفه‌گرایی و اخلاق فضیلت، هرچند ابزارهای مفهومی سودمندی برای فهم برخی ابعاد این تحولات فراهم می‌آورند، به دلیل محدودیت‌های مفهومی و ناتوانی در پاسخ به پیچیدگی‌های دنیای دیجیتال، در ارائه راه‌حل‌های جامع و کارآمد ناکافی به نظر می‌رسند.

اخلاق اسلامی، با محوریت اصولی همچون کرامت انسانی، عدالت و مصلحت عمومی، رویکردی جامع‌تر و تطبیق‌پذیرتر ارائه می‌دهد که می‌تواند نیازهای اخلاقی مرتبط با فناوری اطلاعات را به شکلی عادلانه و پایدار برطرف کند. این رویکرد نه‌تنها به ارزش‌های الهی و انسانی توجه دارد، بلکه با تأکید بر مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق دیگران، ظرفیت‌های منحصربه‌فردی برای هدایت تحول دیجیتال در مسیر صحیح دارد.

درنهایت، اخلاق اسلامی می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی انعطاف‌پذیر و پویا عمل کند که هم توسعه‌دهندگان فناوری و هم کاربران را در راستای استفاده اخلاقی، مسئولانه و پایدار از فناوری اطلاعات هدایت کند. این چهارچوب، با توجه به قابلیت انطباق آن با نیازهای جوامع مدرن و آینده، می‌تواند به‌عنوان الگویی جهانی برای مدیریت چالش‌های اخلاقی تحول دیجیتال استفاده شود. بنابراین، تنها از طریق یک چهارچوب اخلاقی جامع، مانند اخلاق اسلامی، می‌توان بر چالش‌های اخلاقی تحول دیجیتال غلبه کرد و از فناوری اطلاعات برای نیل به سعادت فردی و اجتماعی بهره برد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- افضل، محمدعلی (۱۳۸۹). کرامت انسانی و اتانازی از منظر اخلاق اسلامی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۵ (۱).
- برادران نیکو، محمدامین و آرش موسوی (۱۳۹۶). اخلاق در رسانه‌های دیجیتال: معرفی دیدگاه چارلز اس. مجله ترویج علم. ۳ (۲).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). کرامت در قرآن. تهران: نشر رجاء.
- حیدری، ابوالفضل (۱۳۹۵). فلسفه و اخلاق در فناوری اطلاعات. دومین همایش ملی آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران.

- شریف‌زاده، رحمان (۱۴۰۱). فناوری‌های اطلاعات، دوراهی‌های اخلاقی و تصمیم‌گیری. *پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات*. ۳۸ (۲).
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۷ ق). *الأمالی*. قم: مؤسسة البعثة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مزینی، امیرحسین و نیلوفر مرادحاصل (۱۳۹۵). ارزیابی قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در تأمین الزامات اخلاقی فضای کسب‌وکار با رویکرد اسلامی. *پژوهش‌نامه اخلاق*. ۹ (۳).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *نظریه حقوقی اسلام*. تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- نبوی میبدی، مریم السادات (۱۴۰۳). نقد و تحلیل دیدگاه سمانتیک و معرفتی مایکل اسلوت درباره فعل اخلاقی از نظر آیت الله مصباح یزدی. *قبسات*. ۲۹ (۳). ۱۲۷ - ۱۰۷.
- نقدی‌پور، سبجان (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل اصول عام اخلاقی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی. *مطالعات اخلاق کاربردی*. ۱۲ (۴).
- Aristotle (2014). *Nicomachean Ethics*. Edited by R. Crisp Cambridge. Cambridge University Press.
- Azylbekova, G. O. (2024). *On the Question of Formation of Utilitarian Values of a Linguistic Personality*. Astana: Toraighyrov University, Republic of Kazakhstan.
- Bentham, Jeremy (1789). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. London: T. Payne and Son.
- Bunge, Mario (1977). Towards a Technoethics. *Monist*. 60 (1).
- Capurro, Rafael (2005). Information Ethics. *Computer Society of India Communications*.
- Dimmock, Mark & Andrew Fisher (2017). *Ethics for A-Level*. Cambridge: Open Book Publisher.
- Dittmer, Joel (2013). Applied Ethics. In: *Internet Encyclopedia of Philosophy*. https://iep.utm.edu/ap_ethic
- Ess, C. (2009). *Digital Media Ethics*. Cambridge: Polity Press.
- Fieser, James (2005). Ethics. In: *Internet Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from <http://www.iep.utm.edu/ethics/>
- Fuchs, Christian (2023). *Digital Ethics*. London: Routledge.

- Gamlund, E. (2010). *Ethics*. Norway: University of Bergen.
- Hussain, Waheed (2018). The Common Good. In: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. <https://plato.stanford.edu/entries/common-good>
- Kant, Immanuel (1998). *Groundwork of the Metaphysics of Morals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kusmaryant, Carolus Boromeus (March 31, 2022). *Dignity of Human Life in Bioethics*. Indonesia Graduate School: Sanata Dharma University.
- Long, A. A. & D. N. Sedley (1987). *The Hellenistic Philosophers: Translations of the Principal Sources with Philosophical Commentary*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Northcutt, S. (2004). *IT Ethics Handbook: Right and Wrong for IT Professional*. Oxford: Syngress Publishing, Inc.
- Nussbaum, Martha C. (1986). *The Fragility of Goodness: Luck and Ethics in Greek Tragedy and Philosophy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Obermeyer, Z. & et al. (2019). Dissecting Racial Bias in an Algorithm Used to Manage the Health of Populations. *Science*. 366 (6464).
- O'Neill, Onora (1975). *Acting on Principle: An Essay on Kantian Ethics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice* (rev. ed.). Cambridge MA: Harvard University Press.
- Reynolds, George (2010). *Ethics in Information Technology*. 3rd ed. USA: Course Technology.
- Saihu, M. (2022). *Al-Qur'an and the Need for Islamic Education to Artificial Intelligence*. Indonesia: Institut PTIQ Jakarta.
- Schultz, Robert (2006). *Contemporary Issues in Ethics and Informatinon Technology*. USA: Woodbury University.
- Singer, Peter (2011). *Practical Ethics*. 3rd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Slote, Michael (2001). *Moral From Motives*. New York: Oxford University Press.
- Smith, J. & et al. (2020). Virtue Ethics in Information Technology. *Journal of Ethics and Technology*. 15 (3).
- Stuart Mill, John (2001). *Utilitarianism*. Indiana: Hackett Publishing Company.
- Vallor, S. (2009). Social Networking Technology and the Virtues. *Ethics and Information Technology*. 12 (2).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی